

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵
صص ۱۶۲-۱۵۶

معرفی کتاب؛ ژئوپلیتیک جدید مناطق فرانسه

سیروس احمدی نوحدانی* - پژوهشگر مرکز مطالعات افریقا، دانشگاه تربیت مدرس

فرانسه در دو دهه گذشته تغییرات قابل توجهی داشته و متخصصان ژئوپلیتیک سعی کرده‌اند با رویکردی ژئوپلیتیک این تحولات را تحلیل کنند. براساس طراحی سیاسی و اداری این کشور، منطقه‌بندی، روابط قدرت میان جمعیت‌های محلی سرزمینی را به شدت تغییر داد. حدود بیست سال طول کشید تا این طراحی جدید قدرت در دورنمای سیاسی فرانسه استقرار یابد. قوانین تمرکززدایی به هیچ وجه اختیارات کمون‌ها و دپارتمان‌ها را به نفع مناطق کاهش نداد، بلکه در برخی موارد موجب تقویت آنها شد. شوراهای دپارتمان‌ها نیز از این وضعیت سود بردند (تا جایی که گفته شد دپارتمان‌ها پس از منطقه‌بندی قدرت مندتر شدند).

انتشارات فایارد^۱ در فرانسه کتابی را به نام ژئوپلیتیک جدید استان‌های فرانسه (۲۰۰۵) با راهنمایی خانم بئاتریس ژیلین و گروهی از متخصصان برجسته ژئوپلیتیک در ۹۷۵ صفحه و ۲۵ فصل به چاپ رسانده است. مقدمه این کتاب را /یولاکوست، یکی از برجسته‌ترین متخصصان فرانسوی ژئوپلیتیک نوشته است.

بیست سال پیش انتشارات فایارد کتابی تقریباً با همین عنوان و موضوع، به نام ژئوپلیتیک‌های مناطق فرانسه (۱۹۸۶) در سه جلد و جمعاً ۳۷۰۰ صفحه، به چاپ رساند. این کتاب را /یولاکوست و گروهی از متخصصان جغرافیا تدوین کرده بودند. اکنون کتاب ژئوپلیتیک جدید مناطق فرانسه در ادامه آن اما کامل‌تر به چاپ رسیده است. /یولاکوست در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «این کتاب گرچه مختصرتر از مجموعه قبلی است که راه چنین مطالعه‌ای را گشوده، اما درحقیقت از نظر اطلاعات بسیار غنی‌تر، یک‌دست‌تر و مفیدتر است». هنگامی که در سال ۱۹۸۱ و سپس در ۸۴-۱۹۸۳ «چپ‌ها» قدرت را به دست گرفتند و

* Email: Sahmadi@modares.ac.ir

1. Fayard

قدرت راست تندرو در دپارتمانها افزایش یافت (که تا آن زمان به‌طور سنتی چپ پنداشته می‌شدند)، *ایولاکوست* تعدادی جغرافی‌دان را گرد هم آورد تا پیرامون تحولات سیاسی مناطق فرانسه مطالعه کنند. ابتدا قرار بود بیست جلد کتاب هر یک با نام *ژئوپلیتیک مناطق فرانسه* به چاپ برسد. در آن زمان عبارت ژئوپلیتیک در میان جغرافی‌دانان مورد مناقشه بود و بسیاری از جغرافی‌دانان مأمور انجام کار، معتقد به انجام تحقیقی درباره جغرافیای انتخابات بودند نه ژئوپلیتیک. به‌همین سبب و نیز به دلیل مشکلات مالی ناشر، قرار شد بیست جلد کتاب خلاصه و در سه جلد به چاپ برسد. *ایولاکوست* نام آن مجموعه را با عبارت جمع *ژئوپلیتیک‌های ...* نامید تا بیانگر دیدگاه‌های متفاوت محققان آن باشد.

اما کتاب جدید نام *ژئوپلیتیک* یافته زیرا طی دو دهه اخیر ژئوپلیتیک از غنا و ثبات بسیاری برخوردار شده و مکتب فرانسوی ژئوپلیتیک حول محور مجله *وزین هرودوت*، به سردبیری *ایولاکوست* شکل گرفته است. محققان جوان بسیاری تهرای دکترای خود را در چهارچوب شکل‌گیری دکترین ژئوپلیتیک در دانشگاه پاریس و سپس در انستیتو فرانسوی ژئوپلیتیک به مدیریت *بئاتریس ژیلین تدوین* کردند. خانم *ژیلین* در تدوین و نگارش بخش‌های مهمی از کتاب سه جلدی دو دهه پیش نقش برجسته‌ای داشت و به‌حق می‌توان وی را بانی اندیشه ژئوپلیتیک داخلی دانست. به‌ویژه اینکه وی از ۱۹۸۴ تاکنون در مجله *هرودوت* مقالاتی برای تعمیق این اندیشه به چاپ رسانده است. (وی یکی از بانیان مجله *هرودوت* در سال ۱۹۷۶ است).

از آن پس ژئوپلیتیک نه فقط به رقابت میان دولت‌ها بلکه به بحث رقابت میان نیروهای مختلف سیاسی در بطن یک جامعه نیز توجه کرده است.

به‌دلیل گرایش ناگهانی مناطق و شهرها از چپ به‌سوی راست تندرو، متخصصان در پی درک و توضیح عوامل این «چرخش سیاسی» بودند. آنها در پی توضیح این مسئله بودند که مثلاً آیا *تراک شیراک* می‌توانست در کورز^۱ که به‌طور سنتی حوزه نفوذ چپ بود، اکثریت آرا را به‌دست آورد؟ در مجموعه سه جلدی قدیمی تنها میزان آرا و پراکندگی آنها بررسی شده بود و نامی از شخصیت‌های سیاسی و پیچیدگی رقابت میان آنها نیامده بود. اما در کتاب جدید به

1. Corrèze

شخصیت‌های زیادی اشاره شده و تحول سطح رقابت یا ائتلاف میان آنها طی دو دهه اخیر و به‌طور مشخص در دو و سه سال قبل از نگارش کتاب، بررسی شده است.

کتاب **ژئوپلیتیک جدید مناطق فرانسه** نسبت به مجموعه قدیمی جای کم‌تری را به جغرافیا و تاریخچه وضعیت راست و چپ در مناطق اختصاص داده است. چرخش شهرهای چپ به سوی راست تندرو، به‌ویژه در سال‌های ۴-۱۹۸۳ (هم‌زمان با ظهور جبهه ملی) افزایش یافت و طی هر انتخابات، چرخش از راست به چپ یا برعکس مشاهده شده است. در این کتاب، پیچیدگی رقابت‌های سیاسی در فرانسه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است؛ رقابت‌هایی که در چهارچوب دموکراتیک (غیر از برخی موارد اندک) و با تکیه بر رسانه‌ها و شبکه‌های خاص آنان صورت می‌گیرند.

در سال ۱۹۱۳ *آندره زیگنرید* کتاب **تابلوی سیاسی غرب فرانسه** را نوشت و در آن جنبه‌های مختلف جناح‌های سیاسی فرانسه را تشریح کرد. در کتاب **ژئوپلیتیک جدید مناطق فرانسه** تفاوت‌های عمیقی میان تشکل‌های سیاسی و جوامع سیاسی فرانسه دیده می‌شود. اما *بئاتریس ژیلبن* در این کتاب سعی در تئوریزه یا حتی سیستماتیزه کردن این تفاوت‌ها ندارد بلکه اطلاع‌رسانی می‌کند. همچنین در این کتاب دیپارتمان‌های ماورای فرانسه (که در مجموعه ۱۹۸۶ به آنها پرداخته نشده بود) مورد توجه قرار گرفته‌اند.

گرچه اکثر بیست‌و دو منطقه متروپولیتن در ابتدا یک گروه اداری منطقی داشتند و شوراهای عمومی آنها قدرت خود را از دست ندادند، در چهار استان «تاریخی» (بروتانی، آلزاس، کورس و به‌ویژه باسک) برخی نیروهای سیاسی شاهد «نوزایش» استان‌های قدیمی فرانسه بودند که در زمان انقلاب منزوی شدند؛ مناطقی که خود را ملت‌های کهن فرانسه می‌دانند. با افزایش مباحث پیرامون مناطق و رشد تدریجی قدرت آنها، گروه‌های راست و چپ در برخی مناطق توانستند مطالبات تاریخی خود را در برابر دولت مطرح و خود را یک ملت ستم‌دیده قلمداد و ادعای خودمختاری و حتی استقلال کنند.

یکی دیگر از مسائلی که در آینده می‌تواند مناقشه ژئوپلیتیکی به‌وجود آورد، تحول سیاسی مسلمانان در فرانسه است. اکنون مسلمانان تنها مهاجر نیستند بلکه اکثراً در فرانسه به دنیا آمده و رشد کرده‌اند. تعیین منشأ اجتماعی و اقتصادی آنها مشکل و حتی غیرممکن است، زیرا

اصول لائسیسته اجازه درج اطلاعات عقیدتی و دینی افراد در برگه‌ها و پرسش‌نامه‌ها را نمی‌دهد. موج مهاجرت مسلمانان به فرانسه در دهه ۱۹۶۰ و به‌ویژه پس از جنگ الجزایر صورت گرفت و تصور می‌شد که آنها بالاخره دیر یا زود به کشورهای خود باز خواهند گشت و یا همچون دیگر مهاجران، در بطن جامعه فرانسه مستحیل خواهند شد.

این کتاب نشان می‌دهد جغرافی دانان می‌توانند در درک تحولات سیاسی مناطق و محله‌های مختلف شهری و روستایی مؤثر باشند؛ همان‌طور که نشان دادند قدرت یافتن مسلمانان موجب روی گردانی از چپ‌ها شده است. نفر دوم شدن ژان ماری لوپن (رهبر راست تندرو) در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۲، نشانگر همین تحول ژئوپلیتیک است. استقرار راست‌های تندرو در مناطق پرجمعیت و حاشیه‌ای شهرها به‌اندازه قدرت‌گیری اسلام‌گرایان، نگرانی محافل سیاسی فرانسه را برمی‌انگیزد. ژئوپلیتیک داخلی به‌ویژه هنگامی که به تحلیل تنوع سیاسی کشور و ملت می‌پردازد، بی‌شک پیچیده‌ترین نوع اندیشه ژئوپلیتیک است.

کتاب ژئوپلیتیک جدید مناطق فرانسه دارای ۲۵ فصل است و هر فصل به بررسی تحولات سیاسی یک منطقه اختصاص دارد و در آن علاوه بر مواضع احزاب و تشکل‌های سیاسی، اجتماعی و کارگری، مواضع و وضعیت شخصیت‌های سیاسی به تفکیک در مناطق شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. در هر فصل نقشه‌های متعددی از وضعیت شخصیت‌های سیاسی و احزاب و تشکل‌های سیاسی در حوزه‌های مختلف ارائه شده است که به تبیین هرچه بهتر تحولات ژئوپلیتیک فرانسه کمک می‌کند. در اینجا به‌طور خلاصه، چکیده چند فصل برای آشنایی ارائه می‌شود.

فصل سوم: ایل دو فرانس^۱

یکی از مهم‌ترین مناطق فرانسه است و پایتخت (پاریس) در آن قرار دارد. بنابراین تحولات ژئوپلیتیک آن با مناطق دیگر تفاوت دارد. این منطقه پرجمعیت‌ترین، قوی‌ترین و غنی‌ترین منطقه فرانسه است و به قدرت مرکزی بیشتر نزدیک و بیشتر تحت نظارت است. همچنین در این منطقه رقابت میان احزاب و شخصیت‌های سیاسی - به‌ویژه حول محور پروژه‌های آمایش

1. Ile-de- France

سرزمینی - بسیار قوی است. در جنوب این منطقه راست‌ها قدرت را در اختیار دارند. در پاریس و در ناحیه مزون، رقابت اصلی میان حزب سوسیالیست و RPR است و راست‌های غیرگولیست نیز با RPR ائتلاف دارند. اما سبزها به‌عنوان رقیب سوسیالیست‌ها مطرح‌اند. حزب کمونیست که در سال‌های دهه ۱۹۷۰ جایگاه مهمی در پاریس داشت، اکنون صرفاً حضور دارد.

در نیمه دوم سال‌های ۱۹۹۰ شاهد رشد چپ‌ها و مقاومت راست گولیست بودیم. گرچه حزب سوسیالیست در انتخابات مجلس ۱۹۹۷ در این منطقه نتایج خوبی به‌دست آورد، اما در مناطق دیگر کشور تا این حد پیروزی نداشت. به‌طورکلی میان سوسیالیست‌ها و گولیست‌ها برای به‌دست‌گرفتن رهبری منطقه رقابت تنگاتنگی وجود دارد. در این فصل به «بحران حاشیه‌نشینی» و مناطق فقیرنشین به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده در ژئوپلیتیک منطقه پرداخته شده است.

فصل ششم: بروتانی^۱

در انتخابات شوراهای ۲۰۰۴، سوسیالیست‌ها ضمن ائتلاف با سبزها، حزب مستقل اتحاد دموکراتیک بروتانی و برخی شخصیت‌های چپ تندرو، توانستند کنترل شوراها را به دست گیرند. درحالی‌که تا قبل از آن، بروتانی در اختیار محافظه‌کاران دمکرات - مسیحی و گولیست‌ها بود. کلیسای کاتولیک در بروتانی قدرت زیادی دارد. مطالعات ژئوپلیتیک نشان می‌دهد میان نفوذ کلیسا و رأی راست‌ها، رابطه مستقیم وجود دارد. به‌همین سبب کاندیداهای سوسیالیست با استفاده از تعالیم کاتولیسیسم توانستند در سال ۲۰۰۴ شوراهای منطقه را در اختیار گیرند و جایگاه احزاب راست را تضعیف کنند. ارتقای زبان بروتون (دارای چهار لهجه مجزا) و تدوین خط واحد برای هر چهار لهجه، یکی از ابزارهای مورد استفاده سیاست‌مداران برای جلب آرای اهالی این منطقه است.

1. Bretagne

فصل دهم: لورن^۱

در دهه ۱۹۷۰ این منطقه در سیطره راست دمکرات- مسیحی و به گولیت‌ها نزدیک بود. اما ۳۰ سال بعد، چشم‌انداز ژئوپلیتیک لورن دست‌خوش تحولات زیادی شد. در انتخابات منطقه‌ای ۲۰۰۴، چپ‌های سوسیالیست (در برخی نواحی همراه با اکولوژیست‌ها) کنترل قوه مجریه منطقه را در اختیار گرفتند. اما افزایش آرای چپ‌های سوسیالیست موجب تضعیف جایگاه حزب کمونیست در منطقه شد. یکی از عوامل پیروزی سوسیالیست‌ها این بود که کاندیداهای آنان افرادی محلی بودند؛ برخلاف نامزدهای راست که اکثراً از مناطق دیگر بوده و در لورن کاندیدا شده بودند.

فصل هفدهم: پواتو- شارانت^۲

ژان پیر رافران، نخست‌وزیر فرانسه از ۲۰۰۲ مدت‌ها رئیس شورای این منطقه بود و در دوران نخست‌وزیری نیز بیشتر حول محور انتخابات منطقه‌ای تبلیغ می‌کرد نه ملی. انتخاب وی به سمت نخست‌وزیری، به دلیل گرایشات وی به مدیریت منطقه‌ای و نزدیک بودن به آحاد مردم بود. راست‌ها مدت‌ها ریاست شورای منطقه را برعهده داشتند. در سال ۲۰۰۴ زمانی که خلنم سوگلن رویال در رأس فهرست چپ‌ها در این منطقه قرار گرفت، شکست راست‌ها مسلم شد. شیک‌پوشی و جدیت از مشخصه‌های بارز خانم رویال است که توانست با حضور زیاد میلن مردم و شنیدن سخنانشان آرای آنها را به سمت خود جلب کند.

فصل بیست و دوم: کورس^۳

این منطقه دارای موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی است و عناصر سیاسی محلی دائماً با قدرت مرکزی رقابت دارند. اهالی کورس مدعی داشتن تمدنی سستی هستند و خواستار شناسایی زبان کورس مستقل از زبان فرانسه هستند. لذا ملی‌گرایان استقلال‌طلب به هنگام انتخابات، خطابه‌های آتشین و انقلابی سر می‌دهند؛ تا جایی که در برخی موارد جریان انتخابات را رادیکالیزه می‌کنند. به همین سبب احزاب راست تندرو در این منطقه جایگاه محکمی دارند. با روی کار آمدن فرانسوا

1. Lorraine

2. Poitou- Charantes

3. Corse

۱۶۲ فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

میتران در سال ۱۹۸۱ رابطه دولت مرکزی با کورس از فشار و سرکوب به گفت‌وگو تغییر شکل داد. از ۱۹۸۸ نیز وزیر کشور سوسیالیست وقت پیر ژوکس مذاکره با عناصر رادیکال ملّی‌گرا را آغاز کرد و حق «تفاوت هویت فرهنگی» را به رسمیت شناخت. با این مواضع اهالی منطقه از چپ‌ها استقبال کردند.

این کتاب ارزشمند به زبان فرانسه نوشته شده و امید است با اهمیتی که می‌تواند در زمینه ارائه تحلیل دقیق از وضعیت انتخاباتی فرانسه و نیز کارکردهای فعالیت‌های احزاب و تشکل‌های سیاسی برای انتخابات داشته باشد، مورد توجه قرار گرفته و نسبت به ترجمه و چاپ آن اقدام شود.